



هنر و زیبایی شناسی ازدیدگاه اسلام بانگاهی بر معماری سقاخانه

مهر آفرین مهربانی

کارشناسی ارشد پژوهش هنر، مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی، مرکز شماره یک نیشابور

Afarin2042@yahoo.com

چکیده:

زیباشناختی در تمامی شرایط زندگی انسان بخش مهمی از ادراک و کنش اوست، و شهر، ظرف فعالیتها و زندگی انسان و ترکیبی از عناصر انسان ساخت و طبیعی و تجلیگاه آرمانها و تفکر جامعه است. زیبایی شهر فقط تحت تأثیر ساختمانها نیست بلکه نحوه ارتباط آنها با یکدیگر مهم است، همبستگی اجتماعی عملکرد اصلی شهر است، پس شهر باید متعلق به عموم باشد، کالبد محیط تمامیتی است که من جزئی از آنم، ادراکم از این تمامیت تبعیت کرده ظاهر زیبا به وجود می آید. شهر زیبا، زیبایی را به انسان القا می کند و انسان با درک زیبایی به سمت کمال مطلوب حرکت می کند. پس زیبایی در کالبد و در طرح و نقشه نیست، زیبایی در روح شهر و شهروند است. اگر شهر، زیبایی را به شهروند القا کند شهروند به آرامش، سعادت و تعادل می رسد. هرچه این زیبایی کالبدی شهر بر اساس فرهنگ و جهان بینی ساکنان شکل گیرد تأثیر پایدارتر و مؤثرتر واقع می شود. شیعه به متابعت از سیره رسول الله (ص) و در نظر گرفتن تقدس اماکن دینی و مذهبی، بنیان گذار زیباترین ابنیه ویژه نیایش و عبادت در جهان اسلام است. فضای الهی و نظر کرده این اماکن، همیشه ایام روح بخش و دلنواز بوده است. در این مقاله بر آنیم ابتدا به مفاهیم مرتبط با زیبایی بپردازیم، سپس از دیدگاه برخی علمای اسلام و اندیشمندان غرب زیبایی را تعریف نموده و معیارهای زیبایی را مورد شناسایی قرار داده و در ادامه به معماری سقاخانه به عنوان نمونه موردی از عناصر فضای شهری اشاره کنیم و آن را مورد بررسی قرار دهیم. روش تحقیق دائن مقاله به صورت کتابخانه ای و توصیفی - تحلیلی بوده و در برخی موارد به مطالعات می دانی هم پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: معماری سقاخانه، زیباشناسی اسلامی، فرهنگ، هویت



۱- مقدمه:

زیبائی شهر در مجموعه‌ای از ارزش‌های زندگی شهری است که از تجربه احساس مستقیم انسان‌ها از شهر سرچشمه می‌گیرند. شهر از خلال حس هادرون ذهنیت ما راه می‌یابد و رفتارهای شهری ما را موجب می‌شود. احساس مطبوع خوشی و آسایش که ممکن است حاصل این تجربه باشد، زیبایی است. مهم‌ترین عامل در زیبایی‌شناسی شهر نه قابلیت دیداری آن، بلکه قابلیت بساوبایی آن است. ژرف‌ترین و زیباشناختی‌ترین درک و شناخت از شهر نزد ساکنان آن شهر یافته می‌شود و همین زیبایی بساوبایی است که در سیمای شهر به‌مثابه یک زیبایی ژرف منعکس می‌شود. زیبایی غیر بصری عبارت است از اقدامات یا عناصری که آرامش را هرچه بیشتر به مردم القا کند. عناصری که با وجود آنها احساس امنیت، آسایش و حس لذت را به مردم تداعی نماید. مردم لذت را از محیطی کسب می‌کنند که ساختار آن الزامات مربوط به الگوهای جاری رفتار و آسایش فیزیولوژیک موردنیاز آن را به‌خوبی تأمین کند، به‌عبارت‌دیگر به نیازهای فیزیولوژیکی، شخصیتی، اجتماعی و فرهنگی مردم پاسخ دهد. ایمنی، رفاه، سهولت در دستیابی به عناصر، لذت از محیط زندگی، همگی از این مبنا سرچشمه می‌گیرند. و با وجود این عوامل انسان‌ها به نوعی آسایش و آرامش دست می‌یابند که در واقع بسیار زیبا و خوشایند است. اگر بتوان در مبانی زیباشناسی این المان، یعنی آسایش و آرامش را در نظر گرفت، باید یقین داشته باشیم که به نمود زیبایی بسیار نزدیک شده ایم. آیا این آرامش و آسایش روحی در فضایی مانند سقاخانه تشدید نمی‌شود؟

۲- سلسله مراتب زیبایی

زیبائی سلسله‌مراتبی است که در هر سطح افراد تأثیرات و قلمرو متفاوتی را تجربه می‌کنند در اولین سطح، زیبائی مادی، قلمرو مادی که لذت مادی و حسی به انسان القا می‌شود. در مراتب بالاتر، زیبائی طبیعی (روانی) و همراه با تأثیر، آزادی و قلمرو روانی و در مرتبه بعد زیبائی معقول ارزشی (روحانی و معنوی) با قلمرو عدالت، حکمت ... که توأم با تجربه سرور و بهجت برای فرد و در مرتبه آخر، زیبائی جمال مطلق که در قلمرو روح، لقای الهی را به‌مثابه والاترین تجربه به افراد الهام می‌بخشد. بدون تردید، زیبائی در همه ساخت‌ها جایگاه و مصداق خود را دارد و هرکس به‌نوعی در پی تحصیل آن است (نقی‌زاده، ۸۶)

جدول شماره ۱: مراتب زیبایی و قلمرو و تأثیرات (نقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۵۱)

مرتبۀ زیبایی	تأثیر بر انسان	قلمرو
زیبائی مادی	لذت مادی و حسی	مادی
زیبائی طبیعی (روانی)	آزادی	روانی
زیبائی معقول و ارزشی (روحانی و معنوی)	سرور و بهجت	عدالت، حکمت و ...
زیبائی جمال مطلق	لقای الهی	روح

۳- مؤلفه‌های ساخت شهر

۳-۱- مؤلفه‌های طبیعی:

باتوجه به اینکه هر شهری از جایگاه ویژه طبیعی برخوردار است این مؤلفه نقش مؤثری را در هویت و زیبائی بخشی شهر ایفا می‌کند. مؤلفه‌های طبیعی در شاخه‌های، جایگاه کلی طبیعی (عرض و طول جغرافیایی و ...) و ساختاری جغرافیایی (توپوگرافی، هیدروگرافی و ...) و ساختاری طبیعی (رود و پوشش گیاهی ...) قابل بررسی و در اشکال خطی و نقطه‌ای و سطحی زیبائی را به معنای نگاهی تازه به نیازها و رفتارهای شهروندان القا می‌کند.

۳-۲- مؤلفه‌های مصنوعی

تفکرات و ایده‌های انسانی با قرارگیری در مؤلفه‌های مصنوعی در ساخت شهر می‌تواند بیانگری از زیبائی و تداعی هویت بخشی و مکمل مؤلفه‌های طبیعی برای ارضای نیاز روحی و روانی مردم باشد. گرچه این مؤلفه بتواند با فرهنگ و سنت بومی انطباق یابد خود تجلی تمدن نیز می‌باشد. بی شک بنیان فکری و فرهنگی و جهان شناختی توده مردم در ساخت شهر هنگامی که از صافی ارزش‌های جمعی عبور کند

اساس خلق زیباشناسی شهری را پایه‌ریزی و تقویت‌کننده‌ای برای درک زیبایی شهر تلقی می‌شوند. به این دلیل که مفهوم و معنای زیبایی در ملل تمدن‌های گوناگون بسته به جهان‌بینی و باورها مختلف است. (نقی‌زاده، ۸۴)

۴- تعاریفی از زیبایی

واژه زیبایی‌شناسی را در سال ۱۷۵۰ میلادی الکساندر بوم گارتن برای بیان مفهوم سلیقه در هنرهای زیبا ابداع کرد. (بهزاد فر، ۱۳۸۶، ۱۵) از قرن‌ها پیش به‌موازات پرداختن به زیباشناسی در مباحث فلاسفه، هنرمندان و معماران، جست‌وجوی برای تدوین علم اثباتی زیباشناسی نیز جریان داشته است. صاحب‌نظران و اهل علم در زمینه‌های مختلف در مورد زیباشناسی نظراتی را ارائه کردند در راستای روشن ساختن این مفهوم دریل به برخی از این ایده‌ها می‌پردازیم:

۴-۱- افلاطون:

زیبائی بر دو نوع است، طبیعی و هندسی، زیبایی طبیعی نسبی و زیبایی هندسی مطلق است. وی معتقد است که هرآنچه را که ما زیبا می‌بینیم، سایه‌ای است از زیبایی‌های بالا. (گروتز ۱۳۸۶)

۴-۲- هگل:

معتقد است که زیبایی انبساط‌خاطری است که از ادراک یک چیز، فرایند و یا رویداد به انسان دست می‌دهد. (پاکزاد، ۱۳۸۸)

۴-۳- علامه جعفری:

در زمینه تبیین زیبایی چهارگانه زیبایی را تعریف می‌نماید:

۱-زیبائی محسوس

۲-زیبایی غیر محسوس طبیعی

۳-زیبایی ارزشی

۴-زیبایی مطلق

۴-۴- طباطبایی:

مفهوم زیبایی عبارت از تطبیق وضعیت موجود ادراک شده با ایده‌آل‌های ذهنی و روانی ما که سبب انبساط خاطر و لذت می‌شود. از آنجا که ایده‌آل‌ها و ارزشهای هر فرد یا جمع با دیگران متفاوت است، زیبایی نیز مقوله‌ای مطلق و ثابت نیست و در طول زمان وابسته به فرهنگ هر جامعه و گروه متغیر می‌باشد.

۵- هویت

هنگامی که از هویت شهر سخن می‌گوییم از چیزی صحبت می‌کنیم که در ظاهر و شکل شهر نیست بلکه در شاکله شهر است. هویت یک اثر معماری یا یک شهر، با شکل آن تفاوت‌های اساسی دارد. ساختمان‌ها و شهرهای زیبایی داریم که ممکن است هیچ عامل هویتی در آن دیده نشود یا سیمای شهری آن بسیار زشت آشفته باشد ولی همبستگی‌های اجتماعی، نوع بهره‌برداری و استفاده، آمدوشدها و... شاکله‌ای زیبا از درون آن می‌سازد. وقتی از هویت یک مکان یا شهر صحبت می‌کنیم به چیزی رجوع می‌کنیم که در پس ظاهر و در بطن آن نهفته است و ممکن است هیچ ربطی به شکل و ظاهرش نداشته باشد. حافظه تاریخی یک شهر یعنی اینکه شهر، دارای خاطره است و تعریف می‌کند که در این مکان چه اتفاقی افتاده است. علاوه بر حافظه، شهر باید خاطره داشته باشد. شهر بی خاطره یعنی شهر بی هویت. تبلور فرهنگ و جهان‌بینی هر دوره، در زیباشناسی هنر و معماری بروز می‌کند و زمینه ایجاد تمدن می‌شود. اگر تمدن را تبلور بیرونی فرهنگ بدانیم و آن را گویای هویت مردمان هر سرزمین برشمریم آنگاه واضح است که به چه دلیل معماری هر سرزمینی متجلی‌کننده هویت آن است. شهر باید گیرایی داشته باشد و این گیرایی از طریق مکان‌ها و فضاها باید به وجود بیاید. اگر گیرایی نداشته باشد، کسی به آن جذب نمی‌شود و به طبع آن زیبا به نظر نخواهد رسید، شهر باید احساس داشته باشد. شهر با هویت به انسان هویت می‌دهد و انسان به شهر و این دقیقاً ماهیت زیبایی یا نازیبایی شهرها و ساختمان‌ها را به ما می‌نمایاند. باید دنبال چیزی بود که روح شهر یا شاکله شهر، را ظاهر کند. مثلاً علت علاقه و احساس زیبا داشتن به یک ساختمان یا یک فضا این است که در زمان حال اتفاقاتی در آن می‌افتد؛ بنابراین اگر عنصری تولید یا ایجاد شود و به‌قصد زیبایی باشد، و افراد، آن زیبایی را درک نمودند و در حیطه زیبایی آن را پذیرفتند، آن عنصر هویت دارد و زنده است. مهم این است که چگونه یک شهر یا یک اثر معماری را سامان دهیم که روح در آن جریان داشته باشد از جسد بودن خارج شود.

۶- زیباشناسی مهم‌ترین رکن هویت



یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ارکان هویت سازد همه ابعاد فرهنگی و انسانی جامعه را باید زیبایی‌شناسی آن جامعه دانست. ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه می‌توانند هم علت وهم معلول هویت باشند در لایه‌های بنیادین وهم در لایه‌های ظاهری هویت تعریف شوند. از یک سو زیبایی‌شناسی یک نمود ظاهری و معلول ارزش‌های زیربنایی یک فرهنگ است که همچون فشارسنج، دلالت گرسمت و سوی تحولات فرهنگی و اجتماعی است از سوی دیگر، زیبایی‌شناسی خود علت و عامل شکل‌دهنده به هویت آینده است و برای هر تحول فرهنگی، نقش کلیدی و زیربنایی دارد.

۷- سقاخانه

در هریک از شهرها و سکونتگاه‌های قدیمی مردم ما گنجینه فرهنگی باارزشی وجود دارد که نمایانگر روند و سیر تاریخ حیات اجتماعی در آن است و هریک از عناوین و فضاهای آن گویای بخشی از ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی جامعه می‌باشند که با بررسی و شناخت دقیق آن می‌توان به زوایا و ابعاد ناشناخته‌ای از تاریخ اجتماعی این سرزمین پی برد. به عبارتی سقاخانه‌ها را می‌توان پدیدارهایی اجتماعی-مذهبی با قدمتی دیرینه نامید که در آنها ((آب))، این عنصر حیات‌بخش، به رایگان در اختیار رهگذران تشنه قرار می‌گیرد. اما در پس این تعریف ساده و کوتاه، فرهنگی کهن و ارزشمند نهفته است که شامل ویژگی‌های زیباشناسانه که هم علت وهم معلول هویت هستند نیز می‌باشد. اولین موضوعی که در بررسی سقاخانه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد، ((آب)) است، باید توجه داشت که آب سقاخانه‌ها در نظر مریدان آن آب معمولی نیست، بلکه عنصری است مقدس، شفای دردهای جسمانی و آرام‌بخش روح‌های پریشان. این آب نشان از ایمان دارد، از ایثار، از فداکاری و محبت و بالاخره نشان از شهادت. حقیقت این است که والاترین و متعالی‌ترین مفهوم اجتماعی-اعتقادی ((آب)) و فلسفه زیباشناسی الهی را در مذهب شیعه می‌توان یافت.

۷-۱- اهداف اصلی احداث سقاخانه‌ها

- دلیل اصلی احداث سقاخانه از طرف بانیان خیر آنها، به طور عمده دو چیز بوده است:
- ۱- تمسک به عملی خیر برای سقایت (۱) مردمان
 - ۲- یادآوری حادثه عاشورا و واقعه کربلا و خاطره تشنگان شهیدان از جور و ستم اشقیا

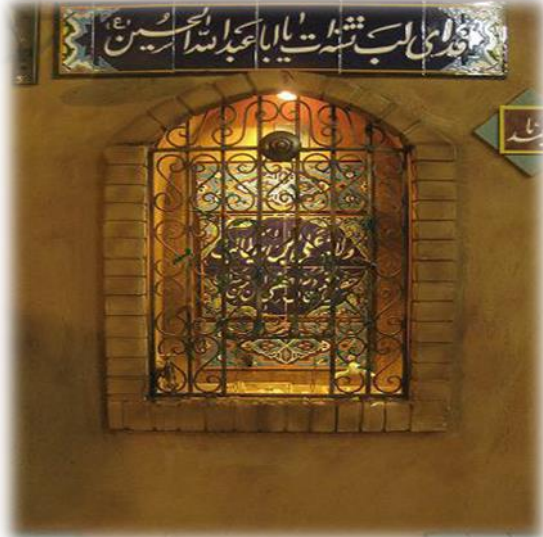
۷-۲- فرم بنا در معماری سقاخانه

از نظر فرم و شکل بنا، سقاخانه‌ها به سه گروه تقسیم می‌شوند:

- ۱- سقاخانه‌هایی که ساختمان آنها با بناهای اطراف پیوند ندارد و به تعبیری، مستقل هستند. این بناها معمولاً مکعبی شکل بوده و گاه به صورت بنایی استوانه‌ای و یا هشت‌گوش ساخته می‌شوند، به گونه‌ای که از چهار جهت‌نما دارند و قابل بهره‌برداری‌اند.
- ۲- این گروه را می‌توان ((سقاخانه‌های دکانی شکل)) نامید. نمای کلی این سقاخانه‌ها به گونه دکانی نیم بابی یا یک بابی است که در کنار مجموعه‌ای از دکان‌ها و یا منازل و بناهای اطراف قرار گرفته‌اند. محل احداث این سقاخانه‌ها بیشتر در کنار معابر اصلی و پربرفت و آمد شهر است.
- ۳- این گروه ((سقاخانه‌های رفی شکل (۲))) نام دارند. این گونه سقاخانه‌ها در شکل کلی، کاملاً وابسته به بنای همراه خود هستند و از نظر تملک، جزئی از بنای خانه یا مسجد مجاور خود محسوب می‌شوند. نمای عمومی این گروه از سقاخانه‌ها که غالباً کوچک و محقر هستند،



به صورت فرورفتگی مختصر رف مانند اتاق چه ماندی در دیوار بنای پستی خود است. این نوع سقاخانه‌ها بیشتر در معابر فرعی و کوی‌ها قرار



دارند و فاقد وقف‌نامه‌ای مستقل هستند. (بنیادلو، ۱۳۸۲)

۷-۳- سقاخانه در آئینه فرهنگ مردم

روزگاری سقاخانه‌ها محلی برای دردمندان و حاجتمندان بود؛ بنابراین کسی که حاجتی داشت برای برآورده شدن حاجت خود شمع نذر سقاخانه می‌کرد. معمولاً نذورات خوراکی و خیرات برای مردگان را نیز در ظرف‌هایی می‌چیدند و در شب‌های جمعه در سقاخانه‌ها می‌گذاشتند. دخیل بستن و ریختن پول به سقاخانه‌ها از دیگر کارهای متداول بود. این کار به‌عنوان نذر و یا صدقه انجام می‌شد و عایدات سقاخانه به متولی آن اختصاص داشت یا توسط او در اختیار افراد بی‌بضاعت و آبرومند محل قرار می‌گرفت و نیز دخیل بستن و قفل زدن به پنجره‌های مشبک سقاخانه و یا حرم ائمه اطهار از دیرباز رواج داشته و هنوز نیز در ابعاد محدودتری متداول است. (بنیادلو، ۱۳۸۲) این است همان فلسفه زیباشناسی اسلامی که نمود آن را در معماری سقاخانه می‌توان به عینه مشاهده کرد.

۸- نتیجه گیری

یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ارکان هویت سازد همه ابعاد فرهنگی و انسانی جامعه را باید مفهوم هنر و **زیبایی‌شناسی** آن جامعه دانست ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه می‌توانند هم علت و هم معلول هویت باشند و هم در لایه‌های بنیادین و هم در لایه‌های ظاهری هویت تعریف شوند. از یک سو زیبایی‌شناسی یک نمود ظاهری و معلول ارزش‌های زیربنایی یک فرهنگ است که همچون فشارسنج، دلالت‌گر سمت‌وسوی تحولات فرهنگی و اجتماعی است از سوی دیگر، زیبایی‌شناسی خود علت و عامل شکل‌دهنده به هویت آینده است و برای هر تحول فرهنگی، نقش کلیدی و زیربنایی دارد.

پی‌نوشت

- ۱- سقایت: در اصل واژه عربی است که در فرهنگ فارسی به معنای ((آب نوشاندن)) و ((دادن و فروختن آب)) به کار می‌رود.
- ۲- رفی شکل: تاقچه مانند.

فهرست مراجع:

۱. بنیادلو، نادیا (۱۳۸۲)، سقاخانه‌های تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
۲. بهزاد فر، مصطفی (۱۳۸۶)، هویت شهر، تهران.
۳. دادمهر، منصور (۱۳۷۸)، پژوهشی درباره سقاخانه‌ها و سنگابهای اصفهان، نشر گلها، اصفهان.
۴. عناصری، جابر (۱۳۸۱)، طفلان نقش در قنداقه سنگ، تأثیر تشیع بر انبیه، اماکن و زیارتگاههای مذهبی ایران، نشریه خردنامه همشهری، شماره ۳۶، صفحه ۱/۴
۵. گروتز، یورگ (۱۳۸۶)، زیباشناسی در معماری، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.



۶. ملیحی، وحید(۱۳۸۸)، زیباشناسی در معماری و شهرسازی ایران معاصر، (ارائه به همایش ملی معماری و شهرسازی ایران)
۷. نقی زاده، محمد (۱۳۸۶)، ادراک زیبایی و هویت شهر، اصفهان.
۸. نقی زاده، محمد (۱۳۸۴)، مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی، تهران.

Art And Aesthetics From The Point Of View Of Islam, Case Study: The Architecture Of Drinking Fountain

Mehrafarin Mehrani

M.A. Art- Research, Lecture in University of Applied Science and Technology , Neishabour
Afarin2042@yahoo.com

Abstract

Aesthetics is an important part of human perception and action in all conditions of his life. The city is the site of human activity and life, a combination of natural and man-made elements, and a manifestation of the ideals and thinking of society. The beauty of the city is



سومین کنفرانس ملی شهرسازی و معماری دانش بنیان

3rd National Conference On Knowledge-Based Urban Development and Architecture



not only influenced by the buildings, and how they relate to each other is important. Social solidarity is the main function of the city, therefore the city must be public. My perception is influenced by the environment and then beauties arise. A beautiful city inspires beauty in humans and humans move toward the desired perfection with the perception of beauty. Therefore beauty is not in body and plan, but it is in the spirit of the city and citizen. If the city induces beauty to the citizen, the citizen will grow in peace, prosperity, and balance. If the beauty of the city is closer to the culture and worldview of its inhabitants, it will have a more stability and effective impact. Following the Prophet's (peace be upon him) lifestyle and considering the sanctity of holy sites, Shia is the founder of the most beautiful monuments of worship among Muslims. The sacred atmosphere of these places has always been spiritual. In this article, at first, we are going to talk about beauty concepts. Afterward, from the point of view of some Islamic and Western scientists, we define beauty and identify the criteria of beauty. In the following, we present the architecture of drinking fountain as a case study of the elements of urban space. In this paper, the library research method, descriptive-analytical research method, and in some cases field study research method are applied.

Keywords: the architecture of drinking fountain, Islamic aesthetics, culture, Identity